



بررسی اسباب ظلم در پرتو قرآن کریم

پوهنوال عبدالمنان ابوعمر و

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون بدخشان

a.aboamar2023@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-3307-2486>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

ظلم از مهم‌ترین آسیب‌های فردی و اجتماعی است که قرآن کریم به صورت گسترده به تبیین ابعاد، اسباب و پیامدهای آن پرداخته است. گسترش مظاهر گوناگون ظلم در جوامع انسانی، ضرورت بررسی ریشه‌ها و عوامل آن را از منظر قرآن کریم برجسته می‌سازد. مسأله‌ی اصلی این تحقیق، شناسایی اسباب و زمینه‌های شکل‌گیری ظلم و تداوم آن در جامعه‌ی انسانی بر اساس آموزه‌های قرآنی است. هدف این تحقیق، تبیین مهم‌ترین عوامل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی ظلم و نشان‌دادن نقش قرآن کریم در آگاهی‌بخشی و پیش‌گیری از آن می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها به شیوه‌ی کتاب‌خانه‌ای و با تحلیل آیات قرآن کریم گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون کفر و شرک، پیروی از هوای نفس، جهل، استکبار، ضعف ایمان و بی‌عدالتی اجتماعی از مهم‌ترین اسباب پیدایش ظلم از دیدگاه قرآن کریم به شمار می‌روند. هم‌چنین قرآن کریم با تأکید بر عدالت، تقوا و مسوولیت‌پذیری، راه کارهای اساسی برای مقابله با ظلم و تحقق جامعه‌ای عادلانه ارایه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: انحراف، اخلاق، ظلم، عدالت، عوامل اجتماعی.

An Examination of the Causes of Injustice in the Light of the Holy Qur'an

Author Abdulmanan Abu Amur
Email Islamic Studies Department, Shariah Faculty, Badakhshan University.
Orcid a.aboamar2023@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0005-3307-2486>

Abstract

Injustice (*Zulm*) is among the most significant individual and social harms that the Holy Qur'an has extensively addressed by explaining its various dimensions, causes, and consequences. The widespread manifestations of injustice in human societies highlight the necessity of examining its roots and contributing factors from the perspective of the Holy Qur'an. The main issue of this research is to identify the causes and conditions that lead to the emergence and continuation of injustice in human societies based on Qur'anic teachings. The aim of this study is to explain the most important ideological, ethical, and social factors contributing to injustice and to demonstrate the role of the Holy Qur'an in raising awareness and preventing it. This research is fundamental in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of methodology. The data were collected through library-based methods and analyzed through the examination of Qur'anic verses. The findings of the study indicate that factors such as disbelief and polytheism, following personal desires, ignorance, arrogance, weakness of faith, and social injustice are among the major causes of the emergence of injustice according to the perspective of the Holy Qur'an. Furthermore, the Holy Qur'an, by emphasizing justice, piety, and responsibility, provides fundamental solutions for combating injustice and establishing a just society.

Keywords: Deviation, Ethics, Injustice, Justice, Social Factors.

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، الَّذِي أَرْسَلَهُ رَبُّهُ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا، وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سَرَاجًا مُنِيرًا.

ظلم یکی از بنیادی ترین مفاهیم منفی در نظام فکری و حقوقی اسلام است که قرآن کریم به صورت گسترده به تبیین حقیقت، مصادیق و اسباب آن پرداخته است. از منظر قرآن، ظلم نه تنها موجب تباهی فرد و جامعه می گردد، بل که سبب اختلال در نظام عدالت الهی و انحراف انسان از مسیر هدایت می شود. ازاین رو، شناسایی اسباب و ریشه های ظلم، گامی اساسی در جهت پیشگیری از آن و تحقق عدالت در جامعه انسانی به شمار می رود. قرآن کریم با نگاهی جامع، عوامل گوناگون ظلم را در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مورد توجه قرار داده و انسان را نسبت به پیامدهای فردی و جمعی آن آگاه ساخته است. بررسی این اسباب در پرتو آیات قرآن، زمینه ی فهم عمیق تر دیدگاه اسلام نسبت به عدالت و مسوولیت انسانی را فراهم می سازد. بر همین اساس، این تحقیق می کوشد با تکیه بر آیات قرآن کریم، مهم ترین اسباب ظلم را شناسایی و تحلیل نماید تا سهمی در تقویت دانش و کاهش مظاهر ظلم در جوامع اسلامی ایفا کند.

تبیین مسأله

ظلم از جمله پدیده های مخرب فردی و اجتماعی است که همواره سبب اختلال در عدالت، تضعیف روابط انسانی و گسترش نابرابری در جوامع شده است. با وجود تأکید فراوان قرآن کریم بر نفی ظلم و دعوت به عدالت، هم چنان مظاهر گوناگون ظلم در عرصه های فردی، اجتماعی و غیره مشاهده می شود. این وضعیت، ضرورت بررسی ریشه ها و اسباب ظلم را از منظر قرآن کریم آشکار می سازد. مسأله اصلی این تحقیق آن است که قرآن کریم چه عواملی را به عنوان اسباب و زمینه های پیدایش ظلم معرفی می کند و چگونه می توان با شناخت این اسباب، در جهت کاهش و پیشگیری از ظلم گام برداشت.

اهمیت تحقیق

بررسی اسباب ظلم از منظر قرآن کریم دارای اهمیت علمی و اجتماعی ویژه ای است؛ زیرا ظلم یکی از عوامل اساسی نابسامانی های فردی و اجتماعی به شمار می رود و قرآن کریم به عنوان منبع اصلی هدایت، نگاه جامعی به ریشه ها و پیامدهای آن ارائه کرده است. شناخت اسباب ظلم می تواند زمینه ی پیشگیری از بی عدالتی، تقویت عدالت اجتماعی و اصلاح رفتارهای فردی و جمعی را فراهم سازد. افزون بر این، این تحقیق با تمرکز بر آیات قرآن کریم، می تواند به غنای مطالعات قرآنی و فقهی کمک کرده و پاسخ گوی نیازهای فکری و اجتماعی جوامع اسلامی در مواجهه با پدیده ی ظلم باشد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: اسباب و عوامل ظلم از دیدگاه قرآن کریم کدام‌اند؟

پرسش‌های فرعی

- ۱- قرآن کریم چه نوع ظلم‌هایی را معرفی و تبیین کرده است؟
- ۲- مهم‌ترین عوامل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری ظلم کدام‌هااند؟
- ۳- شناخت اسباب ظلم چه نقشی در تحقق علم و کاهش ظلم در جامعه دارد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: شناسایی و تبیین اسباب و عوامل ظلم از دیدگاه قرآن کریم.

اهداف فرعی

- ۱- بررسی دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی مفهوم و انواع ظلم؛
- ۲- تبیین عوامل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری ظلم؛
- ۳- نشان‌دادن نقش شناخت اسباب ظلم در تحقق دانش و کاهش ظلم در جامعه؛

پیشینه‌ی تحقیق

موضوع ظلم و شناخت آن از مباحث اساسی در قرآن کریم و مطالعات اسلامی است و در آثار مفسران و اندیشمندان اسلامی به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است. مفسرانی چون طبری، فخر رازی، قرطبی و ابن‌کثیر در تفاسیر خود، با استناد به آیات قرآنی، به تبیین مفهوم ظلم، مصادیق آن و پیامدهای فردی و اجتماعی آن پرداخته‌اند. این آثار بیش‌تر بر جنبه‌های تفسیری و اخلاقی ظلم تمرکز داشته‌اند.

در پژوهش‌های معاصر نیز برخی محققان به بررسی مفهوم ظلم، عدالت و نقش ایمان و تقوا در جلوگیری از ظلم پرداخته‌اند. با این حال، بیش‌تر این مطالعات یا به صورت کلی به مسأله‌ی کلمات ظلم و نور که در قرآن و سنت وارد شده پرداخته‌اند، مانند کتاب (النور والظلمات فی ضوء الکتاب والسنة) از د. سعید بن علی بن وهف قحطانیهم‌چنان کتاب (اللباب فی تأویل الفاظ کثرت فی الکتاب) از سراج الدین حنیف. مؤلف در این کتاب اسباب ظلم را در روشنی آیات قرآن کریم بر شمرانیده است، بدون این‌که در زمینه ترجمه، تفسیر و تحلیلی داشته باشد. یا آن را در چارچوب مباحث اخلاقی و اجتماعی بررسی کرده‌اند و کمتر به شناسایی منظم و دسته‌بندی‌شده‌ی اسباب ظلم بر اساس آیات قرآن کریم توجه نموده‌اند.

تحقیق حاضر با تمرکز ویژه بر استخراج و تحلیل اسباب ظلم در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی از منظر قرآن کریم، می‌کوشد خلای موجود در مطالعات پیشین را تا حدی جبران کرده و رویکردی منسجم و قرآنی به این مسأله ارائه دهد.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌های انجام شده و منابع اصلی تحقیق شامل قرآن کریم، تفاسیر معتبر قرآنی و پژوهش‌های علمی مرتبط می‌باشد. در این تحقیق، آیات مرتبط با مفهوم ظلم و اسباب آن استخراج شده و با رویکرد تحلیلی، عوامل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی ظلم بر اساس مفاد آیات قرآن کریم بررسی و تبیین گردیده است. تحلیل داده‌ها به صورت استدلالی و با تکیه بر فهم قرآنی انجام شده است.

نتایج و یافته‌ها

در مجموع، نتایج و یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که شناخت اسباب ظلم از منظر قرآن کریم، نقش مهمی در کاهش ظلم، تقویت عدالت و هدایت رفتار فردی و جمعی در جوامع اسلامی دارد.

ظلم در لغت: کلمه‌ای ظلم عربی، مصدر و به معنای ستم کردن، جور، ستمگری، بیداد و ستم آمده است. (حسن عمید، ۱۳۸۴: ۲/ ۱۴۱۲). جرجانی -رحمه الله- در تعریف ظلم می‌گوید: ظلم عبارت است از قرار دادن هر چیز در غیر جایگاه شایسته‌ی آن. و در اصطلاح شریعت، به معنای تجاوز از حق به سوی باطل و ستمگری است؛ و نیز گفته شده است که ظلم، تصرف در مالکیت دیگران و فراتر رفتن از حد و مرزهای مقرر می‌باشد. (جرجانی، ۱۴۰۵: ۱۸۶)

بررسی اسباب ظلم در پرتو قرآن کریم: قرآن کریم عوامل ظلم را به صورت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فردی بیان کرده و مفسران نیز آن‌ها را تحلیل کرده‌اند. مهم‌ترین عوامل ظلم عبارت‌اند از:

۱- شرک: چنان که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳).

ترجمه: «(یادآور شو) زمانی را که لقمان به پسرش گفت - در حالی که او را پند می‌داد - پسر عزیزم! (چیزی و کسی را) انباز خدا مکن، واقعاً شرک ستم بزرگی است» (خرم دل، ۱۳۹۶: ۴) آیت کریمه بیانگر این است که، حضرت لقمان در مقام اندرز و تربیت، فرزند خویش را به مهم‌ترین اصل اعتقادی دعوت می‌کند و او را از شرک به خداوند برحذر می‌دارد. پس بزرگ‌ترین ظلم، شرک به خداوند متعال است؛ زیرا شرک، تجاوز به حق خالص الهی در توحید و عبادت به شمار می‌رود.

در حدیث: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ - رضی الله عنه - آمده است که می‌گوید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ شَقَّ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ؛ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ

أَيْنَا لَا يَظْلِمُ نَفْسَهُ قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ، إِنَّمَا هُوَ الشَّرُّ؛ أَلَمْ تَسْمَعُوا مَا قَالَ لِقَمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ (يُنْيَى لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرَّكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ). (نیشاپوری، ب ت: ۸۰ / ۱)

ترجمه: «هنگامی که این آیت نازل شد (کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خود را با ظلم (شرک) آلوده نکرده اند، آنان در امان خدا قرار دارند و از جانب خدا هدایت یافته اند)، مسلمانان ترسیدند و ناراحت شدند گفتند: ای رسول خدا! هیچیک از ما نیست که به خود ظلم نکرده و دچار گناه نشده باشد. پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: منظور از ظلم گناه نیست، بلکه منظور شرک است، مگر نشنیده اید وقتی که لقمان پسرش را پند می داد به او چه گفت؟ گفت: ای پسر! شریک برای خدا قرار مده به حقیقت شرک ظلمی است بس بزرگ».

۲- تحریف و دگرگون سازی حکم یا سخن شرعی، الله متعال در این زمینه می فرماید: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾. (البقره: ۵۹).

ترجمه: «سپس ستمگران و گفتاری را که به آنان گفته بودیم دیگر کردند و دیگرگون گفتند. پس در برابر سریچی و تمردشان، از آسمان بر آنان عذابی نازل کردیم» (خرم دل، ۱۳۹۶: ۲۵)

امام نسفی -رحمه الله- در تفسیر آیت می گوید: پس آنان از فرمان الهی سریچی کردند و سخنی گفتند که معنایش با آن چه به آن مأمور شده بودند تفاوت داشت و دستور خدا را امتثال نکردند. و گفته شده است که به جای «حِطَّةً» گفتند «حِطَّةً»، و نیز گفته شده است که به زبان بَطِی گفتند: «حِطًا سَمَقَاتًا»، یعنی گندم سرخ؛ و این کار را از روی تمسخر نسبت به آن چه به آنان گفته شده بود انجام دادند و از طلب آن چه نزد خداست روی گردانیدند و به سوی خواسته های دنیوی و متاع زودگذر دنیا متمایل شدند. (نسفی، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م: ۹۲ / ۱)

این آیت مبارکه بیان می کند که گروهی از بنی اسرائیل، با آن که فرمان الهی به روشنی برایشان بیان شده بود، دستور خداوند را آگاهانه تغییر دادند و از اطاعت آن سریچی کردند.

آیت کریمه نشان می دهد که ظلم تنها ستم به دیگران نیست، بل که نافرمانی آگاهانه، تحریف احکام الهی و سریچی از فرمان خدا نیز از مصادیق روشن ظلم است.

۳- ممانعت از ذکر خداوند و یکتاپرستی او در مساجد، چنان که الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (البقره: ۱۱۴)

ترجمه: «از جمله دشمنی ایشان نسبت به یکدیگر، و نسبت به مسلمانان این است که بعضی از قبیله ها معابد قبیله های دیگر را خراب نمودند و مسلمانان را از ورود به مسجد الحرام باز داشتند) و چه

کسی ستمگرت‌تر از کسانی است که نگذارند در مساجد و اماکن عبادت خدا، نام خدا برده شود، و در ویرانی آن‌ها بکوشند؟». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۵۸)

امام بیضاوی-رحمه الله- می‌گوید: آیت عام است شامل کسی که مسجدی را تخریب می‌کند، یا مانع برپایی عبادت در مکانی که برای نماز تعیین شده، می‌گردد می‌باشد، او از همه ستم‌گرت‌تر است. (بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ: ۱/ ۱۰۱)

آیت کریمه یکی از شدیدترین مصادیق ظلم را معرفی می‌کند و آن، جلوگیری از یاد خدا در مساجد و تلاش برای ویرانی مادی یا معنوی آن‌ها است.

آیت مبارکه بیان می‌دارد که چنین افرادی نه تنها به حق خداوند، بل که به حق جامعه‌ی ایمانی نیز تعدی می‌کنند؛ زیرا مسجد جایگاه عبادت، هدایت و اصلاح جامعه است. از این‌رو، این عمل، ظلمی بزرگ با پیامدهای سنگین دنیوی و اخروی به شمار می‌رود.

۴- کتمان حق، چنان که الله-جل جلاله- می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (البقرة: ۱۴۰).

ترجمه: «چه کسی ستمگرت‌تر از آن کس است که گواهی و شهادت الهی را که نزد او است پنهان دارد؟ و خدا از آن‌چه می‌کنید غافل و بی‌خبر نیست». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۷۳).

امام سیوطی-رحمه الله- در تفسیر آیت می‌گوید: هیچ کس ستمگرت‌تر از یهود نیست، زیرا آن‌ها شهادت الهی در تورات را که به توحید ابراهیم اشاره دارد، مخفی نمودند. (الجلالین، ب ت: ۲۹)

این آیت مبارکه بیان می‌کند که هیچ کس ستمکارت‌تر از کسی نیست که شهادت و گواهی الهی را که نزد اوست، پنهان کند. مقصود از کتمان شهادت، مخفی‌ساختن آگاهانه‌ی حقیقت، تحریف واقعیت یا خودداری از ادای شهادت حق در جایی است که اظهار آن واجب و ضروری می‌باشد.

آیت کریمه تأکید می‌کند که کتمان شهادت، تنها یک خطای فردی نیست، بل که ظلمی بزرگ در حق خدا، حق مردم و حق عدالت است؛ زیرا با پنهان کردن حقیقت، زمینه‌ی فساد، بی‌عدالتی و تضییع حقوق دیگران فراهم می‌شود. در پایان آیه، خداوند هشدار می‌دهد که از اعمال انسان‌ها غافل نیست و هرگونه کتمان حق، در پیشگاه الهی مورد حساب‌رسی قرار خواهد گرفت.

۵- ایستادگی آگاهانه و متعصبانه در برابر حق، چنان که الله-جل جلاله- می‌فرماید: ﴿لَئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعَتِ عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (البقرة: ۱۵۰).

ترجمه: «تا مردم بر شما حجّتی نداشته باشند (و اهل کتاب که از بررسی کتابهایشان دریافته‌اند که پیغمبر برانگیخته از نسل اسماعیل بر قبله او، یعنی کعبه خواهد بود، با ترک قبله موقت بیت المقدس و رو به کعبه نماز گزاری دلتان بدانند تو همان پیغمبر راستین و از نژاد اسماعیلی) مگر کسانی که

از ایشان (با مشرکان هم صدا شده و منافقانه رفتار کنند و بر خود و دیگران) ستم نمایند (و مزورانه بگویند: تغییر قبله محمد از بیت المقدس به کعبه، به علت گرایش به دین آباء و اجدادی خود و عشق به دیار و زادگاه خویش است). پس از آنان مترسید (و به فرمان خدا به هنگام نماز رو به کعبه کنید) و از من بترسید؛ تا نعمت خویش را بر شما تکمیل کنم (و با اعطاء قبله مستقلی فواید مادی و معنوی به شما بخشم، و شما نیز با شناخت قبله راستین همیشگی، آمادگی بیشتر برای دریافت حق را فراهم آرید) و شاید رهنمود شوید». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۸۱).

این آیت مبارکه بیان می‌کند که خداوند متعال با تشریع احکام الهی، راه هرگونه بهانه‌جویی و احتجاج ناروا را بر مردم بسته است، مگر کسانی که روحیه‌ی ظلم و عناد دارند و حتی با روشن شدن حق نیز از سر لجاجت مخالفت می‌کنند. از این رو، مومنان مأمور شده‌اند که از چنین ظالمانی ترسند، بل که تنها خشیت و ترس حقیقی را به خداوند اختصاص دهند.

۶- محبت هم‌تراز با محبت خدا نسبت به غیر خدا، چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ (البقرة: ۱۶۵).

«برخی از مردم هستند که غیر از خدا، خدا گونه‌هائی برمی‌گزینند و آنان را همچون خدا دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند. آنان که ستم می‌کنند اگر می‌شد عذابی را مشاهده نمایند که هنگام (رستاخیز) می‌بینند، (می‌فهمند که) قدرت و عظمت همه از آن خدا است و خدا دارای عذاب سختی است». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۸۹).

صابونی-رحمه الله- می‌گوید: سپس خداوند از بد عاقبتی مشرکانی که غیر خدا را می‌پرستیدند خبر داد و فرمود: «و از مردم کسانی‌اند که غیر خدا را هم‌تراز قرار می‌دهند؛ یعنی برخی از مردم به سبب جهل و نادانی، غیر خدا را هم‌تراز قرار می‌دهند، مانند رؤسا و بت‌ها. و می‌فرماید: «آنها را دوست می‌دارند همانند دوست داشتن خدا»؛ یعنی آنان را بزرگ می‌شمردند و تسلیم و خاضع می‌شوند، همان‌گونه که مومنان خدا را دوست می‌دارند. (صابونی، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م: ۹۹ / ۱)

این آیت مبارکه بیان می‌کند که برخی از مردم، به جای خداوند، معبودها و همتایانی برمی‌گزینند و آنها را همانند محبت خدا دوست می‌دارند، و این مصداقی از ظلم اعتقادی (شرک) است. در مقابل، مومنان حقیقی محبت‌شان به خداوند شدیدتر و خالص‌تر است. آیت هشدار می‌دهد که ظالمان در روز عذاب خواهند دانست که تمام قدرت از آن خداست و عذاب او بسیار سخت است.

۷- تجاوز از حدود الهی، چنان‌که الله-جل جلاله- می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾. (البقرة: ۲۲۹).

ترجمه: «هرکس از حدود و مرزهای (اوامر و نواهی) الهی تجاوز کند (ستمگر بوده و) بی گمان این چنین کسانی ستمگرند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۱۴۱)

این آیت شریفه بیان می‌کند که هرکس از حدود و قوانین الهی تجاوز کند، از زمره‌ی ظالمان به شمار می‌رود؛ زیرا سرپیچی از احکام خداوند، تجاوز به حق الهی و عامل بی‌عدالتی در فرد و جامعه است.

۸- تجاوز ناعادلانه به حقوق دیگران، چنان که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ (البقرة: ۲۳۱).

ترجمه: «به خاطر زیان رسانیدن بدیشان و تعدی کردن بر ایشان، هیچ گاه ایشان را نگاه ندارید و کسی که چنین کند، بی گمان به خویشتن ستم کرده است». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۱۴۳)

این آیت مبارکه تأکید می‌کند که مردان حق ندارند زنان را به قصد آزار، فشار یا تعدی در عقد خود نگه دارند. نگه داشتن زن با نیت ضرر رساندن، رفتاری ظالمانه و سوءاستفاده از حکم شرعی است. خداوند هشدار می‌دهد که هرکس چنین کند، در حقیقت به خود ظلم کرده است؛ زیرا با این عمل، خود را در معرض گناه، بازخواست الهی و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی قرار می‌دهد.

۹- رجوع در داوری و حکم‌گذاری به غیر رسول اکرم-صلی الله علیه وسلم-، چنان که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (النساء: ۶۴).

ترجمه: «هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر بدین منظور که به فرمان خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان بدان هنگام که (با نفاق و دروغگوئی و زیر پا گذاشتن فرمان خدا) به خود ستم می‌کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌نمودند و پیغمبر هم برای آنان درخواست بخشش می‌کرد، بیگمان خدا را بس توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۴۵).

این آیت مبارکه بیان می‌کند که پیامبران الهی برای اطاعت و پیروی فرستاده شده‌اند و سرپیچی از آنان نوعی ظلم به نفس است. هم‌چنین آیت تأکید می‌کند که اگر انسان پس از ارتکاب ظلم و گناه، با توبه و طلب آمرزش به‌سوی خدا بازگردد و از راه درست وارد شود، رحمت و آمرزش الهی شامل حال او خواهد شد؛ زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

۱۰- امتناع از انجام هجرتی که بر انسان واجب شده است، چنان که الله-جل جلاله- می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (النساء: ۹۷).

«بیگمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می روند و (می بینند که به سبب ماندن با کفار در کفرستان و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده اند، بدیشان می گویند: کجا بوده اید (که اینک چنین بی دین و توشه مرده اید و بدبخت شده اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن کوچ کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی!» (خرم دل، ۱۳۹۶: ۶۵).

این آیت شریفه بیان می کند که گروهی از انسان ها در حالی از دنیا می روند که به خویشتن خود ظلم کرده اند؛ زیرا با وجود توانایی، در محیط کفر و شرک باقی مانده و برای حفظ دین و ایمان خود هجرت نکرده اند. هنگامی که فرشتگان جان آنان را می گیرند و از ایشان می پرسند در چه وضعیتی بوده اند، آنان به بهانه ی ضعف و ناتوانی تمسک می جویند، اما این عذر پذیرفته نمی شود؛ چرا که زمین خداوند گسترده بوده و امکان هجرت وجود داشته است.

۱۱- امتناع نسبت به احکام و دستورات الهی، چنان که الله جلت عظمت می فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يُخِمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (المائدة: ۴۵).

ترجمه: «کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند (اعم از قصاص و غیره) او و امثال او ستمگر بشمارند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۲۹) این آیت مبارکه بیان می کند که هر کس بر اساس دستورات الهی حکم نکند، در حقیقت ستمگر و ظالم است. نادیده گرفتن قوانین خداوند، تجاوز به حق الهی و عامل بی عدالتی در فرد و جامعه به شمار می رود.

۱۲- دروغ بستن به الله، چنان که الله بزرگ می فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (الأنعام: ۲۱).

ترجمه: «چه کسی ستمکارتر از کسی است که بر خدا دروغ می بندد (و فرزند و انباز برای او قرار می دهد و چیزهای ناروای دیگر بدو نسبت می دهد؟) یا دلائل (دال بر یگانگی خدا و صدق انبیاء) او را تکذیب می نماید. مسلماً ستمکاران رستگار نمی شوند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۱۰).

این آیت بیان می کند که یک از مصادیق ظلم همانا به خداوند دروغ بستن یا آیات او را انکار کردن است. چنین افرادی نه تنها حق خداوند را تضییع می کنند، بل که مسیر هدایت و صلاح خود را نیز مسدود ساخته اند. آیت تأکید می کند که ظالمان هرگز رستگار نخواهند شد و اعمالشان به شکست و نابودی می انجامد.

۱۳- ممانعت و بیرون راندن کسانی که توحید خداوند را تلاوت و تبلیغ می کنند، چنان که الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ

حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿الأنعام: ۵۲﴾.

ترجمه: «کسانی را (از پیش خود) مران که سحرگاهان و شامگاهان خدای را به فریاد می خوانند. منظورشان (تنها رضایت) او است. نه حساب ایشان بر تو است و نه حساب تو بر آنان است. اگر آنان را برانی، از زمره ستمگران خواهی بود.» (خرم دل، ۱۳۹۶: ۲۶)

این آیت بیان می کند که نباید کسانی را که با نیت خالص و برای رضای خداوند عبادت می کنند، از مسجد یا محل عبادت طرد کرد. هرگونه برخورد ظالمانه با این افراد، بدون دلیل و دخالت در حساب الهی آنان، خود نوعی ظلم است.

۱۴- تَکْذِيبَ آيَاتِ الْهَى، چنان که می فرماید: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ﴾. (الأنعام: ۱۵۷)

ترجمه: «پس چه کسی ستمکارتر از کسی خواهد بود که آیات (قرآن) خدا را تکذیب کند و بی دلیل و بی جهت از آن‌ها رویگردان شود؟ کسانی را که از آیات ما رویگردان شوند بدترین عذاب خواهیم داد و سزای رویگردانی ایشان را هرچه زودتر بدانان خواهیم رساند.» (خرم دل، ۱۳۹۶: ۹۸)

۱۵- باز داشتن مردمان در پیروی و انجام راه و دستور خداوند، چنان که الله جلّت عظمت می فرماید: ﴿فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصْدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ (الأعراف: ۴۴-۴۵).

ترجمه: «(میان بهشت و دوزخ) ندادنده ای در میانشان ندا درمی دهد که نفرین خدا بر ستمگران باد! آن ستمگرانی که (مردمان را) از راه خدا باز می داشتند و راه خدا را کج و نادرست نشان دهند و آنانی که به آخرت کفر می ورزیدند (و به جهان دیگر ایمان نداشتند)». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۳).

این آیت ظلم در دنیا را به ویژه ممانعت از هدایت و راه خدا و کفر به آخرت، شدیدترین مصادیق ظلم معرفی می کند و هشدار می دهد که عاقبت ظالمان نابودی و لعنت الهی است.

۱۶- انکار آیات الله، چنان که الله-جل جلاله- می فرماید: ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ (الأعراف: ۱۰۳)

ترجمه: «سپس به دنبال آنان (یعنی پیغمبران مذکور)، موسی را همراه با دلایل روشن و معجزات متقن خود به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم و ایشان بدانها کفر ورزیدند و بنگر که سرانجام تباہکاران چه شد». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۵۱).

این آیت کریمه واضح می سازد که خداوند پس از اقوام پیشین، موسی -علیه السلام- را با معجزات و آیات الهی به سوی فرعون و فرمانروایان زمان فرستاد. با این حال، آنان به رغم مشاهده‌ی دلایل روشن، ظلم و فساد کردند و از پذیرش حق

سرپیچی نمودند. آیت مبارکه تأکید می‌کند که سرپیچی از حق ظلم آشکار، سرانجامی جز نابودی و عذاب ندارد.

۱۷- پیروی و اظهار محبت با کافران، چنان‌که الله متعال در این مورد می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (التوبة: ۲۳)

ترجمه: «ای مومنان! پدران و برادران را یاوران خود نگیرید (و تکیه گاه و دوست خود ندانید) اگر کفر را بر ایمان ترجیح دهند. کسانی که از شما ایشان را یاور و مددکار خود کنند مسلماً ستمگرند». (خرم دل ۱۳۹۶: ۱۴). الله متعال مومنان را از گرفتن پدران و برادران به عنوان اولیا باز می‌دارد؛ این دستور برای هر فرد مومن است تا از محبت و پیروی از هر فرد مشرک خودداری کند و آیت کریمه در مورد حاطب بن بلتعہ-رضی الله عنه- نازل شده است، اما آنچه که معتبر است، عمومیت لفظ است نه خصوصیت سبب نزول. (آلوسی، ب ت: ۷۰ / ۱۰). آیت مبارکه روشن می‌سازد که همراهی و پیروی از کسانی که اگر کفر را بر ایمان ترجیح دهند و از مسیر حق سرپیچی نمایند، خود مصداق ظلم و انحراف است و بر مومن واجب است که وفاداری و دوستی خویش را بر پایه‌ی ایمان و عدالت قرار دهد، نه نسبت خانوادگی یا موقعیت اجتماعی.

۱۸- به جای خدا کسی و چیزی را پرستش و به فریاد خواستن، چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (یونس: ۱۰۶)

ترجمه: «به جای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می‌رساند و نه زیانی. اگر چنین کنی از ستمکاران و مشرکان خواهی شد». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۵۷) این آیت بیان می‌کند که خواندن و پرستش هر چیزی غیر از خدا که نه سودی به انسان می‌رساند و نه و این تزییع حق خداوند و گمراهی انسان به شمار می‌رود و از مصادیق ظلم اعتقادی محسوب می‌شود.

۱۹- سرقت و دزدی، چنان‌که الله-جل جلاله- می‌فرماید: ﴿قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾ (یوسف: ۷۵).

ترجمه: «(برادران یوسف) گفتند: سزای آن (کسی که دزدی کرده باشد، این است که) هرکس آن پیمانه در بارش یافته شود، خودش (بنده و گروگان به) سزای آن گردد. (آری!) ما این چنین، ستمکاران را کیفر می‌دهیم». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۳۴). این آیت کریمه روشن می‌کند که پاداش و کیفر هر فرد مطابق با وضعیت و شرایط او در زمان وقوع ظلم و نافرمانی است. یعنی هر کسی به

اندازه‌ی اعمال و رفتار خود مورد حسابرسی قرار می‌گیرد و این عدالت شامل حال ظالمان نیز می‌شود.

۲۰- عذاب کسی بدون ارتکاب جرم، چنان‌که الله جلّت عظمته می‌فرماید: ﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ﴾ (یوسف: ۷۹).

ترجمه: «گفت: پناه بر خدا که ما (این کار را نکنیم و) غیر از آن کس را بگیریم که کالای خود را نزد او یافته ایم. ما (اگر چنین کنیم) در آن صورت (بیگناه را به جای گناهکار گرفته و) از زمره ستمکاران خواهیم بود». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۳۸). این آیت شریفه بیان می‌کند که تعذیب و گرفتن بیگناه به جای گناهکار از زمره ستمکاران به شمار می‌رود.

۲۱- روی گردانی از قرآن، چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَدَبَّىٰ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِلَّا أَبَدًا﴾. (الکهف: ۵۷).

ترجمه: «چه کسی ستمکارتر از کسی است که با آیات پروردگارش پند داده شود و او از آن‌ها روی بگرداند و آن‌چه را که با دست خود پیشاپیش فرستاده است، فراموش کند؟! ما بر دل‌های آنان پرده‌هایی افکنده ایم تا آیات را نفهمند (و نور ایمان به دل‌هایشان نتابد) و به گوش‌هایشان سنگینی انداخته ایم و لذا هرچند آنان را به سوی هدایت بخوانی، هرگز راهیاب نمی‌شوند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۳۱). آیت کریمه نشان می‌دهد که نادیده گرفتن آگاهانه‌ی حقایق الهی و رو گردانی از هدایت الهی، نوعی ظلم بزرگ به خود و عامل محرومیت از هدایت ابدی است. علامه زمخشری- رحمه الله- می‌گوید: پس از آن روی برگرداند و هنگامی که یادآوری شد، به یاد نیاورد و در آن تدبیر نکرد و عاقبت آن‌چه دستان او از کفر و معاصی پیش فرستاده بود را فراموش کرد، بدون آن‌که در آن بیندیشد یا توجه کند که گنه‌کار و نیکوکار هر دو باید جزا داشته باشند. سپس علت روی گردانی و فراموشی آنان را این‌گونه بیان کرد که دل‌هایشان مهر خورده و سخت شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷هـ: ۲ / ۷۳۰)

۲۲- توطئه علیه پیغمبر- صلی الله علیه وسلم-، چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا هِيَ قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ﴾ (الأنبياء: ۳)

ترجمه: «(آنان در حالی هستند که) دل‌هایشان غافل است (از اندیشیدن درباره آن). چنین ستم پیشگانی گفتگوهای درگوشی (خود را که برای توطئه علیه پیغمبر و قرآن انجام می‌دادند) پنهان می‌داشتند (و به همدیگر) می‌گفتند: مگر این (شخص که ادعای پیغمبری می‌کند) انسانی همچون شما نیست؟ (حال که او بشر عادی و همسان با شما است و کلام جادویی دارد) آیا به

سراغ جادو می روید (و آن را می پذیرید) گرچه می بینید (که جادو است ؟!)». (خرم دل، ۱: ۱۳۹۶). این آیت نشان می دهد که نادیده گرفتن پیام الهی و توطئه بر حق، از مصادیق ظلم فکری و اعتقادی است. الله متعال کردار و گفتار آنان را به ظلم توصیف کرد؛ چون آنان پیغمبر-صلی الله علیه وسلم- را بشر، جادوگر و قرآن را جادو گفتند. (ابن جریر طبری، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م: ۱۸/۴۱۰)

۲۳- کج روی و انحراف در حرم، چنانکه الله-جل جلاله- می فرماید: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظْلَمِ نَذْفُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾. (الحج: ۲۵).

ترجمه: «کسانی که با توسل به ظلم (از حد اعتدال خارج می شوند و) در آن سرزمین مرتکب خلاف می گردند، عذاب دردناکی بدیشان می چشانیم». (خرم دل، ۱: ۱۳۹۶). امام جصاص-رحمه الله- می گوید: طبق دیدگاه مفسران الحاد در حرم، شامل، میلان از حق به سوی باطل، ظلم بر خادم، گناه، احتکار طعام و شرک می باشد. (جصاص، ۱۴۰۵: ۵/ ۶۲-۶۳).

۲۴- فاصله گرفتن از اطاعت و تبعیت از دستورهای پیامبر-صلی الله علیه وسلم-، چنان که الله متعال می فرماید: ﴿وَيَوْمَ يَعِصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (الفرقان، ۲۷)

ترجمه: «در آن روز ستمکار (کفرپیشه) هر دو دست خویش را (از شدت حسرت و ندامت) به دندان می گزد و می گوید: ای کاش! با رسول خدا راه (بهشت) را) برمی گزیدم (و با قافله انبیاء به سوی خوشبختی جاویدان و رضای الله سبحان حرکت می کردم. ای وای! من، بر خود چه کردم ؟)». (خرم دل، ۱: ۱۳۹۶). این آیت کریمه بیان می کند که در روز قیامت، ظالم به شدت پشیمان خواهد شد و از شدت حسرت و ندامت دستان خود را گز خواهد گرفت، او آرزو می کند که ای کاش راه و روش پیامبر را در دنیا پیش گرفته بود تا از گمراهی و ظلم به خود و دیگران نجات یابد. ابن جریر طبری-رحمه الله- می گوید: انسان مشرک روز قیامت از روی ندامت و تاسف، دستان خود را می گزد؛ چون او با اطاعت از دوستی که او را از راه الله متعال باز داشته است و پیرامون حقوق الله-جل جلاله- کوتاهی نموده و خود را در ورطه‌ی هلاکت پرت نموده است. (ابن جریر طبری، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م: ۱۹/ ۲۶۲)

۲۵- پیروی از هوا و هوس، چنان که الله متعال می فرماید: ﴿بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (الروم: ۲۹).

ترجمه: «(مشرکان ستمگر برای شرک ورزی خود دلیلی ندارند و) بلکه ستمگران از هوی و هوس خود بدون علم و آگاهی (از عاقبت بد شرک) پیروی می کنند. چه کسی می تواند کسانی را که خدا آنان را گمراه کرده باشد هدایت کند؟ اصلاً برای ایشان هیچ یار و یآوری نخواهد بود». (خرم

دل، ۱۳۹۶: ۱۳). ابن کثیر-رحمه الله- در تفسیر آیت مبارکه می‌گوید: مشرکان برای پرستش غیر الله متعال کدام دلیل ندارند، بل که آنان را از روی جهل و نادانی و پیروی از هوای نفس بدون علم و شناخت پرستیدند. (ابن کثیر، (۱۴۱۹ه: ۶ / ۲۸۲). آیت مبارکه نشان می‌دهد که پیروی از هوای نفس بدون علم و شناخت، مصداق ظلم و سبب گمراهی است.

۲۶- استیفای ناحق و تصرف غیرقانونی در حقوق دیگران، چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجِكَ إِلَىٰ نَعَايِهِ﴾. (ص: ۲۴).

ترجمه: «(داود) گفت: مسلماً او با درخواست یگانه میش تو برای افزودن آن به میشهای خود، به تو ستم روا می‌دارد». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۱۰). آیت مبارکه نشان‌دهنده ظلم و تعدی آشکار به حقوق دیگران است؛ یعنی گرفتن چیزی یا ادعای چیزی که متعلق به دیگری است، مصداق ظلم محسوب می‌شود.

۲۷- خود داری از بازگشت به سوی خدا و طلب بخشش، چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (الحجرات: ۱۱).

ترجمه: «کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۶). بعد از بررسی اسباب ظلم، بجا می‌دانم که نکات چندی پیرامون راه‌های بیرون رفت از ظلم در زیر بیان گردد.

عوامل نجات از ظلم

۱. ایمان و تقوا: یکی از آیات قرآن کریم که ایمان و تقوا را عامل نجات از ظلم و فساد معرفی می‌کند، آیت مبارکه‌ی زیر است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (الانفال: ۲۹).

ترجمه: «ای مومنان! اگر از خدا (بترسید و از مخالفت فرمان او) بپرهیزید، خدا بینش ویژه‌ای به شما می‌دهد که در پرتو آن حق را از باطل می‌شناسید و گناهانتان را می‌زداید و شما را می‌آمرزد، چرا که الله دارای فضل و بخشش فراوان است». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۱۴). هرگاه انسان ایمان درست و تقوا داشته باشد، الله متعال او را از هر مصیبت، فساد و ظلم نجات می‌دهد؛ چون تقوا ملاک همه چیز می‌باشد. ایمان و تقوا، انسان را از ظلم و گمراهی حفظ می‌کند و او را در مسیر حق و عدالت قرار می‌دهد. پیروی از راه درست و همراهی با نیکوکاران، عامل پیشگیری از ظلم و فساد فردی و اجتماعی است.

۲. علم و آگاهی: در قرآن کریم، علم و دانش به‌عنوان راه هدایت و نجات انسان از گمراهی و ظلم تأکید شده است. چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾. (الزمر: ۹).

ترجمه: «بگو: آیا کسانی که (وظیفه خود را در قبال خدا) می دانند، با کسانی که (چنین چیزی را) نمی دانند، برابر و یکسانند؟! (هرگز). تنها خردمندان (فرق اینان را با آنان تشخیص می دهند و از آن) پند و اندرز می گیرند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۷). یعنی علم، انسان را از جهل و گمراهی جدا می کند و راه هدایت و شناخت حق و عدالت را برای او روشن می سازد.

۳. ۳. امر به معروف و نهی از منکر: چنان که الله متعال در این مورد می فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴).

ترجمه: «باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۴۵). این آیت کریمه تأکید می کند که امر به معروف و نهی از منکر، راه نجات و رستگاری واقعی در دنیا و آخرت است. کسانی که در جامعه مردم را به کارهای نیکو و دوری از بدی ها دعوت کنند، جزء افراد موفق و نجات یافته شمرده می شوند.

۴. عدالت ورزی و رعایت حقوق دیگران: در قرآن کریم، عدالت به عنوان یکی از اصول اساسی اخلاق و رفتار انسانی و اجتماعی بارها تأکید شده است. چنان که الله -جل جلاله- می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (النساء ۵۸).

ترجمه: «بیگمان خداوند به شما دستور می دهد که امانتها را به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که داد گرانه داوری کنید. بیگمان خداوند دائماً شנוای بینا بوده و می باشد». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۴۲). عدالت یکی از وظایف الهی و شرط اجرای احکام است و خداوند آن را بر انسان ها واجب کرده است.

۵. خودسازی و کنترل نفس: در قرآن کریم، خودسازی و کنترل نفس به عنوان راه نجات انسان از گمراهی، هلاکت و عذاب الهی بیان شده است. چنان که الله متعال در این رابطه می فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾. (الشمس: ۹-۱۰).

ترجمه: «(قسم به همه اینها!) کسی رستگار و کامیاب می گردد که نفس خویش را (با انجام طاعات و عبادات، و ترک معاصی و منہیات) پاکیزه دارد و بپیراید و کسی نا امید و ناکام می -گردد که نفس خویش را (و فضائل و مزایای انسانیت خود را در میان کفر و شرک و معصیت) پنهان بدارد و بیوشاند و (به معاصی) بیالاید». (خرم دل، ۱۳۹۶: ۳-۴). کنترل نفس و خودسازی (تزکیه نفس) راهی مستقیم به سوی موفقیت و نجات حقیقی است، و غفلت از آن سبب هلاکت و زیان است.

۶. تقویت قوانین و نظارت اجتماعی: در قرآن کریم، تقویت قوانین و نظارت اجتماعی به‌عنوان ابزار حفظ عدالت و جلوگیری از ظلم و فساد تأکید شده است. چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (النساء ۵۸).

ترجمه: «بیگمان خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که داد گرانه داوری کنید. یعنی رعایت امانت‌ها و اجرای احکام بر اساس عدالت، نیازمند قوانین روشن و نظارت بر اجرای آن‌هاست تا حقوق افراد تضییع نشود. عوامل نجات از ظلم در قرآن، سنت و نظر مفسران و دانشمندان، ترکیبی از بعد فردی، اخلاقی و اجتماعی است:

بعد فردی: ایمان، تقوا، خودسازی و کنترل نفس

بعد اجتماعی و ساختاری: عدالت، آموزش و علم، قوانین عادلانه، امر به معروف و نهی از منکر این عوامل هم فرد را از ظلم باز می‌دارند و هم جامعه را به سوی عدالت و برابری هدایت می‌کنند. در نتیجه، قرآن به ما می‌آموزد که ظلم نه تنها یک گناه فردی، بل که یک مشکل اجتماعی است و برای کاهش آن، باید هم شرایط فردی و هم شرایط محیطی و اجتماعی را اصلاح کرد.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر نشان داد که ظلم پدیده‌ای چندبعدی است و منشأهای آن در قرآن کریم به وضوح معرفی شده است. قرآن ظلم را به سه حوزه‌ی اصلی تقسیم می‌کند: ظلم به خود، ظلم به دیگران و ظلم اجتماعی. ظلم به خود شامل پیروی از هوای نفس و غفلت از دستورات الهی...، ظلم به دیگران شامل تصرف نا بحق در اموال و حقوق افراد می‌باشد و ظلم اجتماعی شامل فساد و ممانعت از راه‌های هدایت و اجرای عدالت است.

عوامل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری ظلم دارند. از دیدگاه اعتقادی، کفر و انکار حقایق الهی و پیروی از هوای نفس بدون علم و هدایت، زمینه‌ساز ظلم است. از منظر اخلاقی، خودخواهی، طمع، حسادت و بی‌توجهی به عدالت و تزکیه نفس موجب ارتکاب ظلم می‌شود. از جنبه اجتماعی، نبود قوانین و نظارت بر حقوق افراد و ترک عمل برآن و فساد جمعی زمینه‌ساز گسترش ظلم است.

شناخت عوامل و اسباب ظلم از منظر قرآن، ابزاری علمی برای جلوگیری و کاهش ظلم در جامعه است. با آگاهی از این عوامل، فرد می‌تواند مسیر تزکیه نفس و تقوا را طی کند، قوانین الهی را رعایت کند و به عدالت اجتماعی عمل نماید. بدین ترتیب، مطالعه علمی و مستند اسباب ظلم، زمینه تحقق دانش، عدالت، کاهش فساد و هدایت فردی و جمعی را فراهم می‌آورد.

در نتیجه، قرآن کریم با معرفی انواع ظلم و عوامل آن، هم هشدار به انسان‌ها می‌دهد و هم راه کارهایی چون ایمان، تقوا، تزکیه نفس، دانش، عدالت و اجرای قوانین الهی را برای جلوگیری از ظلم و تحقق نجات فردی و اجتماعی پیش کش می‌کند.

پیشنهادها

پیشنهادها برای نهادهای علمی، ارشاد، حج و اوقاف، معارف و ریاست محترم امر به معروف و نهی از منکر

۱. نهادهای علمی: تألیف و انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی که ظلم را از دیدگاه قرآن و سنت بررسی می‌کنند تا دانشجویان و محققان با ابعاد آن آشنا شوند؛
۲. ترغیب پژوهش‌های میدانی برای شناسایی نقاط ضعف جامعه و راه کارهای کاهش ظلم در سطوح فردی و جمعی.
۳. ریاست ارشاد حج و اوقاف: برگزاری سخنرانی‌ها و دوره‌های آموزشی علمی با محوریت قرآن و احادیث در زمینه جلوگیری از ظلم و ستم و هم‌چنان بیان آن از طریق منابع.
۴. ریاست محترم معارف: برگزاری برنامه‌های علمی؛ تا بدین وسیله دانش‌آموزان با مفاهیم ظلم، عوامل و راه‌های نجات آن آشنا شوند.
۵. نهادهای امر به معروف و نهی از منکر: نظارت فرهنگی و اجتماعی بر جامعه به منظور جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی، همکاری با نهادهای علمی و فرهنگی برای ایجاد کمپین‌های آموزشی و فرهنگی علیه ظلم و فساد.

منابع

- ابن جریر الطبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م) جامع البیان فی تأویل آی القرآن. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي الدمشقي (۱۴۱۹ هـ) تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة .
- آلوسی، محمود الألوسی أبو الفضل (ب ت) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر بن محمد (۱۴۱۸ هـ) أنوار التنزیل وأسرار التأویل. تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- تحقیق: أحمد محمد شاکر، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- جرجانی، علی بن محمد بن علی (۱۴۰۵) التعریفات. تحقیق: إبراهیم الأیاری، چاپ اول، بیروت: دار الکتاب العربي.
- جصاص، أبو بکر أحمد بن علی الرازی الجصاص (۱۴۰۵) أحكام القرآن. تحقیق: محمد الصادق قمحای، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- الجلالین، جلال الدین محمد بن أحمد المحلی وجلال الدین عبد الرحمن بن أبي بکر السیوطی (ب ت) تفسیر الجلالین. چاپ اول، القاهرة: دار الحدیث.
- حسن عمید، (۱۳۸۴) فرهنگ عمید. چاپ ۲۷، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- خرم دل، مصطفی (۱۳۹۶) تفسیر نور. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات احسان.
- زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد (۱۴۰۷ هـ) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. چاپ سوم، بیروت: دار الکتاب العربي.
- صابونی، محمد علی الصابونی (۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م) صفوة التفاسیر. چاپ اول، القاهرة: دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزیع.
- نسفی، أبو البرکات عبد الله بن أحمد بن محمود (۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م) مدارک التنزیل وحقائق التأویل. تحقیق: یوسف علی بدیوی، چاپ اول، بیروت: دار الکلم الطیب.
- نیشاپوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم (ب ت) صحیح مسلم. بیروت: دار الجیل و دار الأفاق الجدیدة.

